

معرفی کتاب

سندباد در سفر مرگ



احمد شاملو را شاید بتوان یکی از پر کار ترین شاعران معاصر دانست. او نه تنها در شعر که در ترجمه، داستان نویسی، تدوین فرهنگ کوچه، نوشتن مقاله‌های بی‌شمار و مصاحبه‌های متعدد تصویری و مکتوب، هنوز هم بی‌رقیب است. بازخوانی جنبه‌های متفاوت و متعدد شخصیت فردی و ادبی شاملو همواره کنجکاو ی نسل بعد از او را برانگیخته است.

شاملو در شعر سبکی نور ا بنا نهاد که هنوز هم نقطه‌اوجش در انحصار خود او باقی مانده است.از این همه کار بی‌وقفه در تمام جنبه‌های ادبیات، شناخت او از طریق مصاحبه‌های طولانی درباره شعر و ادبیات، می‌توان به نظریات او درباره آن‌چه می‌اندیشیده و آن‌چه حاصل تلاش بی‌وقفه است او پی برد. مصاحبه‌های شاملو عموماً تصویری است که گاه انسجام لازم برای دریافت مقصود او را آن هادید.

در این میان ضروری به‌نظر می‌رسید که بخش اعظم گفت‌وگوها و مصاحبه‌های او که شاید حتی تاکنون دیده یا شنیده نشده باشند در مجلدی منسجم گردآوری شود تا در پژوهش‌های ادبی و شناخت بیشتر شعر سپید، مورد بازبایی و تحقیق قرار بگیرند. در این میان نشر چشمه دست به انتشار مجلدی از مصاحبه‌ها و گفتگوهای احمد شاملو با موضوعاتی منسجم و به‌هم پیوسته زده تا به این ضرورت پاسخ دهد و گفت‌وگوهای شاملو را از حالت تصویری برای مخاطب کنجکاو خارج کند و به‌صورت مکتوب در اختیار کسانی قرار دهد که به‌طور جدی دغدغه شعر و ادبیات دارند.

سندباد در سفر مرگ شامل گفت‌وگوها و میزگردهایی است با حضور احمد شاملو که در سال‌های ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۸ و براساس تقدم تاریخ انتشار در نشریات رسمی و همین‌طور پخش در رادیو و تلویزیون گردآوری شده است. کتاب با حرف‌هایی از شاملو شروع می‌شود که در سال ۱۳۴۲ روی نوار ضبط شده بود؛ بخش‌هایی از گفته‌های او درباره کیفیت شعر و چگونگی نوشتن شعر هایش است.

در ادامه گفت‌وگوی مشهور ماهنامه اندیشه و هنر با شاملو آمده که سال‌ها در دسترس علاقه‌مندان ادبیات و شعر فارسی نبوده؛ گفت‌وگوهایی که شاید نخستین نقد و بررسی مهم شعرهای شاملو در آن سال‌ها بوده و با گذشت سال‌ها، هنوز هم خواندنی است.

گفت‌وگوهای دیگری هم با شاملو هست که در شمار مهم‌ترین گفت‌وگوهای شعر معاصر فارسی است و گفت‌وگوهایی هم در کتاب آمده که کار خود شاملو است؛ شاملو با تیزهوشی ذاتی و قدرت بیانش که امروزه بر کسی پوشیده نیست، در مقام گفت‌وگوکننده‌ای حرفه‌ای قرار می‌گیرد که خوب می‌داند چگونه باید بپرسد و چگونه باید وقتی طرف مقابلش طسره می‌رود، دوباره و به‌گونه‌ای دیگر بپرسد تا به جواب برسد و خود نیز درباره آن موضوع وارد بحث شود؛ از جمله می‌توان به گفت‌وگوی ناتمامش با منصوره حسینی درباره نقاشی یا گفت‌وگوش با صدرالدین الهی اشاره کرده که تاکنون در جایی منتشر نشده است.

در «سندباد در سفر مرگ»، می‌توانیم تصویر سازنده سبکی ماندگار اما پراعتراض از سوی شاعران هم‌عصرش را ببینیم که معمولاً در نقد و بررسی‌های شعر او دیده نشده است.

این نیز نوعی تاریخ شفاهی است و می‌تواند پیش‌درآمدی باشد بر دیدگاه‌های دیگر سرآمدان ادبیات و داستان و شعر تا به‌صورت مکتوب در اختیار خواننده قرار دهیم تا از خطر فراموشی در امان بمانند.

چاپ غیرقانونی و تکثیر بی‌رویه کتاب‌های در حال انتشار

کتاب علیه کتاب



می‌توانی سفارش بدهی یا توی همین پیاده‌رو پیدا کنی و اگر بابتش پول زیادی هم دادی باز هم دلت نسوزد.

قانون بی‌قانونی

آن وقت‌ها دست‌فروش کتاب‌های دست‌دوم و کتاب‌های نایاب‌متخصصی بود برای خودش و جنس شناس بود. نویسنده و تاریخچه کتاب را خوب می‌شناخت و می‌دانست گوهری که می‌فروشد چندی از زدو تودقیق‌اندبال چه چیزی هستی. دست‌رامی گرفت و یک راست می‌برد بالای سر خود اصل می‌زند که کتاب نایاب احمد محمود، آثار صادق هدایت، دو قرن سکوت، مأموریت برای وطنم و... می‌توانی دیگر باقی‌اش را گوش نکنی. نزدیکشان که شوی می‌بینی که عده‌ای دانشجوی اهل کتاب و هنر دورشان جمع شده‌اند یا نشسته‌اند و کتاب‌ها را ورق می‌زنند.

کنجکاو می‌شوی که بروی و ببینی اداره ارشاد چه کتابی را ممنوع کرده تا توهم از قافله عقب‌نمانی و یک چاپ افستی بی‌کیفیت بخری و خوشحال که ممنوع‌ای در میان کتاب‌های قفسه کتابخانه‌ات جای داده‌ای و ممکن است فردا همین هم گیرت نیاید. یعنی یک زمانی همین‌طور هم بود. چند دست‌فروش کتاب‌های دسته‌دوم و نایاب، گوشه و کنار همین پیاده‌روی چهارراه ولیعصر تا میدان انقلاب بودند که چندتایی کتاب کنار خیابان می‌گذاشتند و کارت و شماره تلفن داشتند که کتاب‌های ضروری برایت پیدا کنند و البته که ارزان هم تمام نمی‌شد. یعنی همین دور زدن قانون حاکم بر چاپ کتاب‌ها هم قانونی داشت برای خودش. می‌توانستی مطمئن باشی که کتاب‌های به‌روز و چاپ شده توسط ناشر در کتاب‌فروشی‌ها است و کتابی را که دیگر چاپ نمی‌شود و حالا حالاها امکان چاپش هم نیست

کتاب جواب می‌دهد و حتی برای ماندن سالیان در قفسه کتابخانه و استفاده دیگران که بماند. یعنی جوهر روی کاغذ در حال پاره شدن چنان پخش می‌شود که اگر بتوانی یک بار هم آن را بخوانی، جای شکرش باقی است.

اغلب کتاب‌های ممنوعه هم با حذفیات و سانسور به فروش می‌رسند، که در غیر این صورت اصالت می‌توانستند روز روشن کتاب‌ها را بفروشد.

دست‌فروشان ناشران گمنام

برخی از این کتاب‌ها هم توسط ناشران کوچک گمنام از روی کتاب‌های پر فروش ناشران معتبر کپی برداری می‌شود و با جلد و نام دیگری یا همان نام و اسم یک مترجم قلابی کنار خیابان به فروش می‌رسند که همین موجب متضرر شدن ناشران و تبدیل شدن به یکی از مشکلات

کتاب‌های پر فروش به جای کتاب‌های نایاب

اما حالا قصه از لونی دیگر است؛ دست‌فروش‌های پر تعداد همین پیاده‌روی چهارراه ولیعصر تا میدان انقلاب از اسم نویسنده کتابی که می‌فروشد هم اطلاعی ندارند. معلوم است یکی این کتاب‌ها را گذاشته روی دستشان که ببرد و بفروشد و فلان قدر دستمزد بگیرد. اما موضوع مهم‌تر این است که این کتاب‌ها دیگر کتاب‌های پر فروش ناشرانی هستند که با مجوز چاپ هنوز در حال چاپ آن کتاب هستند. دست‌فروشان به خریدار ناگاه و اغلب ترم اولی‌های دانشگاه‌های خیابان انقلاب دروغ می‌گویند و کتاب‌ها را با قیمت‌های مختلف ارزان یا برابر با قیمت خود کتاب در کتاب‌فروشی‌ها به خریدار می‌فروشند. کیفیت افت و جوهر و کاغذ تنها برای یک بار خواندن آن

تکثیر و فروش غیرقانونی کتاب به‌مهمترین آفت کتاب تبدیل شده تا علیه خود کتاب عمل کند و گویا قانون باز دارنده‌ای هم برای این تبر بر ریشه فرهنگ، وجود ندارد

و این می‌تواند بدترین سرانجام برای یک کتاب باشد که یا بدون برنامه‌ریزی مناسب و ارزبایی چند و چون فقط از روی شهوت شهرت و چاپ کتاب توسط نویسندگان و شاعران به چاپ می‌رسند یا ناشران براساس مناسباتی کتابی را چاپ می‌کنند که با شکست مواجه می‌شود. حالا این کتاب‌ها یا کتبی اصلی هستند یا چاپ افست. مهم این است که تمام هزینه چاپ و خرید کاغذ، خمیر می‌شود یا در واقع به عنوان کالایی بی‌ارزش با قیمت ۱۰۰۰ تومان در سبدهای مخصوص جوارفروشی فروخته می‌شوند.

جای خالی قانون در بازار کتاب البته برخی ناشران به دنبال پیدا کردن راه‌حلی برای این مشکل بوده‌اند و باز هم عده‌ای در این میان دچار آسیب شده‌اند. ناشرانی که تلاش کردند شکل فعالیتشان را با اوضاع بازار کتاب منطبق کنند. یعنی برخی از کتاب‌هایی را که چاپ می‌کردند، از دور خارج کردند، برخی کتاب‌ها را با تیراژ پایین چاپ کردند و برخی کتاب‌ها را به‌صورت دیجیتالی منتشر کردند. در واقع هزینه نشر کتاب‌های دیجیتالی یا برابر با کتاب چاپی تمام می‌شود اما در برخی مواقع بالاتر هم می‌رود، و این چون تیراژ کم است، هزینه‌ها را کاهش می‌دهد. از نظر ناشران، انتشار دیجیتالی کتاب برای کتاب‌های

کم‌شمارگان مناسب است اما برای کتاب پرشمارگان از ۱۰۰۰ نسخه به بالا انتخاب مناسبی نمی‌تواند باشد. چرا که بر اساس آمار برخی ناشران از هر ۱۰۰۰ نسخه منتشر شده ۶۰۰ نسخه آن در انبار می‌ماند. چاپ دیجیتالی کتاب هم به مخاطب لطمه وارد می‌کند، اما عملاً چاره دیگری برای ناشران باقی نمانده است. چرا که چرخه معیوب تولید کتاب و بازار نابسامان و بدون قانون تکثیر می‌کند و آن‌ها را از چرخه فعالیت خارج می‌کند. نکته مهمی که چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد این است که ناشران بعد از مدتی دیگر دست به انتشار کتاب‌های پرنسک که در معرض چاپ غیرقانونی قرار می‌گیرند، نمی‌زنند و در نتیجه چاپ افست بی‌کیفیت تکثیرهای غیرقانونی بازی را می‌برند و همچنان در بازار باقی می‌مانند و به حیات خود ادامه می‌دهند و پس از مدتی یک کتاب قانونی و معتبر دیگر در کتاب‌فروشی‌ها پیدا نمی‌شود و خواننده مجبور است به همان چاپ بی‌کیفیت که حالا دیگر با قیمت بالاتری هم فروخته می‌شود رضایت دهد. اما مسئله مهم و اساسی این است که همچون قانون کپی‌رایت، قانسون بازدارنده‌ای وجود ندارد و باز پرس‌های دادسرای فرهنگ و رسانه هم با قدرت و جدیت به این مسائل رسیدگی نمی‌کنند و اجرای قوانین نیز باضعف پیش می‌رود. هزینه قانون شکنی فرهنگی به‌ویژه در حوزه کتاب در ایران بالاتر نیست و سودجویان در حريم امن بی‌قانونی به فعالیت‌های خود ادامه می‌دهند. از طرف دیگر در چنین شرایطی کتاب‌فروشان نیز دیگر همچون سابق به سلامت و شناسنامه کتابی که دریافت می‌کنند، اهمیت نمی‌دهند و این در کنار ترجمه‌های کپی و پرایراد و غیر حرفه‌ای و دزدی تألیفات، بی‌اعتمادی را ایجاد می‌کند که به خواننده نیز لطمه وارد می‌کند و او دیگر برای قرار دادن یک کتاب حتی در ماه در سیدماهانه‌اش رغبتی ندارد.

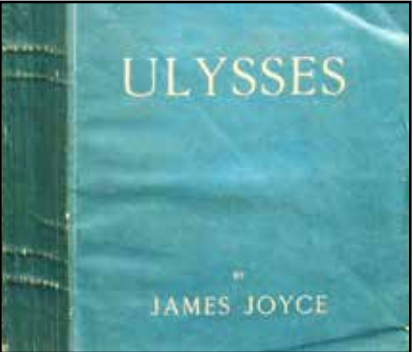
کتاب‌هایی که علیه کتاب

عمل می‌کنند

بنابراین اگر چه ظاهر آنچه می‌بینیم کتاب است و لابد مفید است و برای فرهنگ ضروری است. پیشتر ذکر کردیم که چنین نیست و هر تولید چاپی نمی‌تواند عنوان کتاب را با خود حمل کند، اما همین کالای به‌ظاهر کتاب و به‌ظاهر فرهنگی می‌تواند علیه کتاب و فرهنگ عمل کند و در درازمدت با به‌هم‌زدن بازار، آسیب‌های جبران‌ناپذیر و اصلاح‌ناشدنی‌ای به روند تولید و چاپ کتاب بزند. آسیبی که در آن هم مؤلف و مترجم و هم ناشر و تمام عوامل وابسته به آن، هم کتاب‌فروش معتبر و هم خواننده لطمه می‌بیند. در نتیجه علاوه بر اقدامات پیشگیرانه ناشران که دستشان در این باره تا حدود زیادی بسته است و قانونی از آن‌ها حمایت نمی‌کند، هوشیاری خواننده و مصرف‌کننده کالای فرهنگی و کتاب ضروری می‌نماید و از طرف دیگر مجلس قانون‌گذاری و کمیته‌ها و کمیسیون‌های فرهنگی باید با جدیت در پی تصویب قوانین مؤثر در این رابطه باشند. البته اجرایی شدن آن توسط دولت و قوه قضائیه نیز برای سر و سامان دادن به آشفته بازار دست بالا را خواهد داشت.

ادامه حیات یک کتاب که برای تولید آن تلاش فراوان شده و حاصل عمر مؤلفی بزرگ و مترجمی پیشکسوت در این حرفه است و ناشرانی که برای سرمایه‌گذاری روی آن پیش‌قدم شده‌اند، برای چیده شدن دوباره‌ای فرهنگی یک جامعه ضروری است تا ناشر و مؤلف و مترجم همچنان بتوانند باطمینان خاطر به کار خود ادامه دهند. اما صفحه کتاب این مطلب را برای هشدار به خریدار کتاب‌های غیرقانونی مطرح کرد تا تصویب قوانین کی و چه‌طور به کمک بهبود شرایط بیایند. تا آن زمان خواننده کتاب باید سرسره از ناسره تشخیص دهد و هزینه‌ای بابت یک کالای بی‌ارزش نپردازد.

آثار ماندگار جهان و بسیاری ویژگی‌های دیگر، از معدود نمونه‌های تاریخ ادبیات است که با نثری عجیب و غریب به عرصه نوین رمان نویسی قدم گذاشته است. بنا به خبرگزاری ایسنا تاخیر شدیم اکرم پدram نیس از چند کاربی‌وقفه‌روی ترجمه این اثر، جلد اول آن را آماده انتشار کرده است. البته پیشتر منوچهر بدیعی بخش کوتاهی از این اثر را ترجمه کرده بود که نسخه کامل همان را هم به دست چاپ نسپرده بود. اکنون با تلاش و تحقیقات و تسلط اکرم پدramنیا به سه زبان انگلیسی و فرانسوی و ایتالیایی و سیطره بر دانش‌های اساطیری یونانی و جویس‌شناسی، کتاب با حجم بالا به دلیل پانویس‌های فراوانی که نیاز داشته آماده چاپ است. مشهور است که جیمز جویس خود بر ترجمه فرانسوی کتاب نظرات داشته و هنگام ترجمه و چاپ کتاب در دانمارک، شخصاً نزد ناشر می‌رود و تأکید می‌کند که: «هیچ چیز را در رمان تغییر نده، حتی یک کلمه»، حالا با این شرایط چطور یولسبز به عنوان کتابی مرجع و تأثیر گذار می‌تواند در ایران به چاپ برسد؟



چراکه هنوز هیچ مترجمی این جسارت را در خود ندیده بود که با اسرارآمیزترین کتاب نویسنده دوبیلینی دست به گریبان شود. زیرا ویژگی‌های یولسبز مثل داشتن تکنیک چندصدایی روایی، سیلان ذهن، تک‌گویی‌های درونی شخصیت‌های اصلی، روای‌های خارق‌العاده، پیچیدگی‌های زبانی، زمان غیر خطی و شناور، پس زمینه‌های تاریخی، اشاره‌هایش به اودیسه هومر و ده‌ها